

تہذیب

واژه نامه
فرهنگ نویسی

انگلیسی - فارسی | فارسی - انگلیسی

ساغر شریفی، احمد خندان

واژه‌نامهٔ فرهنگ‌نویسی

انگلیسی-فارسی

فارسی-انگلیسی

واژه‌نامهٔ فرهنگ‌نویسی

انگلیسی-فارسی

فارسی-انگلیسی

ساغر شریفی، احمد خندان

تیموب

تهران ۱۴۰۰

تجرب

کتاب بهار: لوانسان، خیابان معلم، شماره ۳۷، طبقه زیر هم کف (تلفن ۶۰۰۸ ۱۲۲ ۰۹۱۲)

واژه‌نامه فرهنگ‌نویسی (انگلیسی-فارسی، فارسی-انگلیسی)

ساغر شریفی، احمد خندان

چاپ اول ۱۴۰۰

شمارگان ۳۳۰

صفحه‌آرا: دریچه کتاب (سعید صدقی)

طراح جلد: پاشا دارابی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ و مخصوص کتاب بهار است

سرشناسه:	شریفی، ساغر، ۱۳۵۰-
عنوان و نام پدیدآور:	واژه‌نامه فرهنگ‌نویسی: انگلیسی-فارسی، فارسی-انگلیسی / ساغر شریفی، احمد خندان.
مشخصات نشر:	تهران: کتاب بهار، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری:	۱ ج (شماره‌گذاری گوناگون): ۱۴/۵ X ۲۱/۵ س.م.
فروست:	کتاب بهار؛ ۴۷.
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۷۰۶۷-۱۰-۱
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	ص.ع. به انگلیسی: Saghar Sharifi, Ahmad Khandan. A dictionary of lexicography: English-Persian, Persian-English
موضوع:	واژه‌نامه‌نویسی — واژه‌نامه‌ها — فارسی
موضوع:	Lexicography — Dictionaries — Persian
موضوع:	فارسی — واژه‌نامه‌ها — انگلیسی
موضوع:	Lexicography — Dictionaries — English
موضوع:	زبان انگلیسی — واژه‌نامه‌ها — فارسی
موضوع:	English language — Dictionaries — Persian
شناسه افزوده:	خندان، احمد، ۱۳۴۷-
رده‌بندی کنگره:	P۳۲۷
رده‌بندی دیویی:	۴۱۳/۰۲۸
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۸۴۸۷۴۶۶
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیا	

فروش اینترنتی: www.ketabebahar.com

فروشگاه: انتشارات آگاه، خیابان انقلاب، بین منیری جاوید و ۱۲ فروردین، شماره ۱۳۴۰.

تلفن: ۶۶ ۴۶ ۷۳ ۲۳، www.agahbookshop.com

مراکز پخش: پیام امروز (۶۶ ۴۸ ۶۵ ۳۵)، صدای معاصر (۶۶ ۹۷ ۸۵ ۸۲)

۵۵۰۰۰ تومان

به یاد

علی محمد حق شناس (۱۳۱۹-۱۳۸۹)

که در گزینش واژه‌ها دقتی بی‌بدیل داشت

فهرست

مقدمه	نُه
منابع	نوزده
اختصارات	بیست و سه
فهرست فارسی-انگلیسی	۱
English-Persian Dictionary	1

مقدمه

فرهنگ‌نویسی در ایران رشته‌ای است با قدمت بسیار. یکی از راه‌های تثبیت یک رشته علمی یا فنی و یا، به‌طور کلی، یک حوزه فعالیت در یک جامعه تولید آثاری است که به گسترش و تثبیت آن رشته یا حوزه کمک کند. در زبان فارسی، شمار منابع تخصصی، که کاربر را در دستیابی به معنا و محتوای اصطلاحات فرهنگ‌نویسی یاری کند، اندک است. فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های زبان‌شناسی متعددی که تاکنون به چاپ رسیده‌اند نیز تنها دربردارنده برخی از اصطلاحاتی هستند که در فرهنگ‌نویسی کاربرد دارند. همچنین بسیاری از افرادی که به کار تألیف واژه‌نامه^۱، واژگان^۲ و یا فرهنگ‌های تخصصی اشتغال دارند اغلب یا از وجود فرهنگ‌های اصطلاحات فرهنگ‌نویسی به زبان‌های دیگر بی‌خبرند و یا به دلیل عدم تسلط کافی به زبان خارجی قادر به استفاده بهینه از منابع یادشده نیستند. واژه‌نامه حاضر برای دستیابی به همین هدف، یعنی کمک به تثبیت اصطلاحات رایج در فرهنگ‌نویسی و ایجاد یک زبان علمی در این زمینه، تألیف شده است.

شایان ذکر است که این اثر، برخلاف بسیاری از مجموعه‌های موجود در فارسی، یک «واژه‌نامه» است و نه «واژگان». کلمه *lexicon* عمدتاً به آثاری اطلاق می‌شود که در آن‌ها اصطلاحات یک رشته با معادل‌هایی به یک یا چند زبان و بدون تعریف آمده باشد. آثاری که در آن‌ها اصطلاحات تعریف شده و اغلب دارای معادل نیز هستند، بسته به تنوع اطلاعات و گستردگی موضوع، معمولاً

vocabulary یا dictionary نامیده می‌شوند (کابره^۱ ۱۹۹۹: ۱۴۸). این در حالی است که در زبان فارسی واژه‌نامه به اثری گفته می‌شود که دربردارندهٔ واژه‌ها و یا اصطلاحات یک حوزه است. این اثر می‌تواند دارای تعریف و یا فاقد آن باشد. واژگان نیز اثری است که در آن اصطلاحات یک رشته به همراه تمام معادل‌های موجود گرد آمده باشد. در اینجا منظور ما از واژه‌نامه همان glossary در معنای رایج در ایران است.

وجه تمایز این واژه‌نامه در مقایسه با سایر فرهنگ‌های زبان‌شناسی موجود، این است که در این اثر به وجود واژگان پایه در این حوزه علمی توجه شده است. به عبارت دیگر، برخلاف فرهنگ‌های یادشده، که اغلب فاقد مدخل‌های موردنیاز کاربران هستند و فقط با تکیه بر شم زبانی و به روش درون‌نگری^۲ تدوین شده‌اند، در اینجا سعی شده تا اصطلاحات فرهنگ‌نویسی و واژه‌های پربسامدی که در فرهنگ‌نویسی مورد استفاده قرار می‌گیرند در واژه‌نامه گنجانده شوند تا نیاز اغلب کاربران برآورده شود. مؤلفان ادعا ندارند که این واژه‌نامه دربردارندهٔ تمام اصطلاحات مربوط به این رشته است، اما شاید بتوان گفت که اغلب واژه‌های مهم و اساسی، یا همان اصطلاحات پایه، که در فرهنگ‌نویسی رایج هستند در آن گنجانده شده‌اند.

کاربران واژه‌نامه

کاربران این واژه‌نامه فرهنگ‌نویسان، زبان‌شناسان، دانشجویان زبان‌شناسی و نیز متخصصان غیرزبان‌شناس هستند که به کار تهیهٔ فرهنگ اصطلاحات در رشته تخصصی خود اشتغال دارند. با توجه به اینکه کاربران عمدهٔ آن فارسی‌زبان هستند، فهرست اصلی مدخل‌های آن به صورت انگلیسی به فارسی مرتب شده و فهرست الفبایی فارسی به انگلیسی مدخل‌ها نیز در ابتدای کتاب آمده است. بنابراین کاربران می‌توانند از این واژه‌نامه هم برای خواندن مطالبی به زبان انگلیسی و هم برای نوشتن و یا ترجمهٔ متون فرهنگ‌نگاشتی از فارسی به انگلیسی بهره گیرند.

شیوه تدوین واژه‌نامه

کابره (۱۹۹۹) معتقد است که [در تهیه فرهنگ‌های تخصصی] اصطلاحات باید از متون «واقعی» استخراج شوند، نه اینکه ابداع شخص اصطلاح‌شناس باشند. به عقیده وی، نباید به ترجمه اصطلاحات یک زبان به زبان دیگر اکتفا کرد، بلکه لازم است واژگانی که کاربران یک زبان برای اشاره به یک مفهوم از آن‌ها بهره می‌گیرند گردآوری شوند (ص ۱۱۵). به همین دلیل، کسانی که دست به تدوین فرهنگ‌های تخصصی می‌زنند معمولاً برای انتخاب مدخل‌ها، یا همان مدخل‌گزینی، به منابع مربوط یعنی بانک اصطلاحات^۱ و یا متون تخصصی در آن رشته یا حوزه فعالیت مراجعه می‌کنند. از آنجایی که چنین منابعی در فارسی اندک یا بسیار نادرند، مؤلفان این واژه‌نامه لازم دیدند پیکره موردنظر را ایجاد کنند.

الف) ایجاد پیکره

برای تألیف این واژه‌نامه، پیکره‌ای متشکل از کتاب‌های اصلی و عمومی فرهنگ‌نویسی به زبان انگلیسی، واژه‌نامه‌های انگلیسی فرهنگ‌نویسی، فرهنگ‌های تخصصی فرهنگ‌نویسی به زبان انگلیسی، مقالات فرهنگ‌نویسی به زبان فارسی و چند پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری، که در حوزه فرهنگ‌نویسی در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی به نگارش درآمده بود، تهیه شد. این منابع به صورت چاپی موجود بودند و امکان استخراج اصطلاحات از آن به صورت خودکار (الکترونیکی) وجود نداشت.

ب) انتخاب مدخل‌ها

شرط اساسی برای ارتقای کیفیت فرهنگ تخصصی وجود نظریه‌ای سازمان‌یافته است که بتواند پشتوانه نظری فرهنگ را تشکیل دهد (تارپ^۲ ۲۰۱۲: ۱۲۵). بر این اساس، در تهیه این واژه‌نامه، چارچوب نظری مؤلفان «نظریه نقش‌محور»^۳ بوده که در اوایل قرن بیست و یکم توسط برگن هولتز^۴ و تارپ مطرح شد. براساس این نظریه، هر فرهنگ ابزاری است برای برآورده کردن نیازهای اطلاعاتی مخاطبان

1. term bank

2. S. Tarp

3. Function Theory

4. H. Bergenholtz

خاص در موقعیت‌هایی خاص. لذا گنجاندن هر نوع اطلاعات در واژه‌نامه مورد نظر و نیز شیوه بازنمایی آن نوع اطلاعات با در نظر داشتن نیازهای کاربر، مهارت‌های ارجاعی^۱ وی، و نیز نوع کاربرد واژه‌نامه بوده است.

برای این کار، تعداد بالغ بر ۲۰۰۰ اصطلاح^۲ از پیکره مورد بحث گردآوری و به صورت زیر دسته‌بندی شد. به عبارت دیگر، مدخل‌های این واژه‌نامه در یکی از حوزه‌های زیر جای گرفته‌اند:

۱. اجزای فرهنگ، مانند خردساختار و کلان‌ساختار؛
 ۲. اعمال/فرایندها، مانند تعریف‌نگاری، تفکیک معنا و نقد فرهنگ؛
 ۳. انواع فرهنگ و کتاب‌های مرجع^۳ براساس رایج‌ترین تقسیم‌بندی، مانند فرهنگ زبان‌آموز و فرهنگ کودکان؛
 ۴. مقولات دستوری پایه، مانند اسم و صفت؛
 ۵. روابط واژگانی، مانند ترادف و تضاد؛
 ۶. حوزه‌های زبان‌شناسی، مانند آواشناسی و ساخت‌واژه؛
 ۷. برخی اصطلاحات مشترک با سایر حوزه‌ها، به‌ویژه حوزه‌های صرف و معنی‌شناسی، از قبیل رده‌شناسی و صوری قاب معنایی؛
 ۸. نظریه‌های فرهنگ‌نویسی، همچون نظریه قالب‌ها و نظریه نقش محور؛
 ۹. شاخه‌های فرهنگ‌نویسی، مانند فرافرهنگ‌نویسی و فرهنگ‌نویسی عملی.
- معیار گنجانده شدن یک اصطلاح، بسامد آن در منابع مختلف پیکره بوده است. به عبارت دیگر، برای این کار سعی شده تا عمدتاً واژه‌هایی انتخاب شوند که بیشترین کاربرد را داشته باشند. علاوه بر این، با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای بودن فرهنگ‌نویسی، واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به علوم وابسته و حوزه‌های مرتبط با فرهنگ‌نویسی (از قبیل کتابداری، مرجع‌شناسی، اصطلاح‌شناسی، و یا شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی) نیز در صورتی در اینجا درج شده‌اند که در فرهنگ‌نویسی به‌وفور و به‌معنای خاصی به کار رفته باشند.

1. reference skill 2. term

۳. آنچه در اینجا مدنظر بود، کتاب یا اثر مرجعی است که عمدتاً اطلاعات زبانی ارائه می‌کند.

ترتیب مدخل‌ها

همان‌گونه که در عنوان اثر آمده است، بدنهٔ این کتاب واژه‌نامه‌ای است انگلیسی به فارسی، یعنی در آن (از سمت چپ کتاب) مدخل‌ها براساس الفبای انگلیسی مرتب شده‌اند. در ابتدای کتاب نیز (از سمت راست)، فهرستی فارسی به انگلیسی برای جست‌وجوی اصطلاحات فارسی و اطلاع‌کاربر از معادل انگلیسی آن‌ها آمده است. همچنین با توجه به اینکه کاربران فرهنگ افراد فارسی‌زبان و گاه افراد غیرزبان‌شناس هستند که ممکن است به دلیل ناآشنایی با قوانین صرف زبان انگلیسی در یافتن مدخل‌های موردنظر دچار مشکل شوند، برای مرتب‌سازی مدخل‌ها ترتیب «حرف‌به‌حرف»^۱ ترجیح داده شده است، به این معنا که اولویت با حروف به‌کاررفته در واژه و عبارت بوده و فاصله و خط تیره پس از آن در نظر گرفته شده‌اند، به صورت زیر:

header

head form

head-form

headword

همچنین برای سهولت دسترسی، همهٔ اصطلاحات، اعم از واژه یا عبارت، به‌صورت مدخل اصلی آورده شده‌اند. به عبارت دیگر، در این واژه‌نامه مدخل فرعی وجود ندارد.

در مواردی که یک صورت زبانی بر چند مفهوم دلالت می‌کند — صرف‌نظر از اینکه سرمدخل یک واژه چندمعناست^۲ و یا بر چند واژه هم‌نام^۳ و یا هم‌نویسه^۴ دلالت می‌کند — آن‌ها را به‌صورت دو مدخل جداگانه آورده و هریک از مدخل‌ها را با شماره جدا کرده‌ایم، مانند

illustration^۱

تصویر

illustration^۲

مثال

معادل‌گذاری

از مهم‌ترین و دشوارترین کارها در فرهنگ‌نویسی دوزبانه، یافتن معادل برای

اصطلاحات رایج در یک رشته است. سابقه هزارساله فرهنگ‌نویسی در ایران نشان می‌دهد که برخی از واژه‌ها و اصطلاحات فرهنگ‌نویسی در زبان فارسی دارای معادل‌هایی — هرچند برگرفته از زبان عربی — هستند. این برابرها را می‌توان به عنوان معادل برای برخی از اصطلاحات انگلیسی به کار برد. معادل‌هایی همچون گنج‌واژه^۱، جنس^۲، و فصل^۳ از آن جمله‌اند.

نکته دیگر آن است که شیوه رایج در فرهنگ‌نویسی امروز توصیفی^۴ است، به این معنا که فرهنگ می‌بایست منعکس‌کننده واقعیت زبانی باشد. به همین دلیل، در معادل‌گذاری، اغلب در برابر هر اصطلاح یک معادل فارسی رایج ذکر شده است. ولی با توجه به اینکه در مواردی برای یک اصطلاح بیش از یک معادل وجود دارد و فرهنگ‌نویس معمولاً سعی دارد بهترین و مناسب‌ترین آن‌ها را انتخاب کند، می‌توان گفت که این گونه واژه‌نامه‌ها به نوعی تجویزی^۵ و هنجارگذار^۶ نیز هستند. در چنین مواردی، سعی بر آن بوده است تا تنها یکی از معادل‌ها که به نظر نگارندگان (و پس از مشورت با استادان و صاحب‌نظران) مناسب‌تر دانسته شده ذکر شود. در این گزینش، معیارهایی از قبیل بسامد، زیبایی و خوش‌آهنگی و نیز رسایی (رساننده مفهوم بودن) مدنظر قرار گرفته است. در صورتی که اصطلاح موردنظر بیش از یک معادل فارسی داشته که همگی کم‌وبیش مورد استفاده اهل فن قرار دارند، مانند فرهنگ‌نویسی و فرهنگ‌نگاری در برابر واژه lexicography، هردوی این معادل‌ها به ترتیب بسامد ذکر و با ویرگول از یکدیگر جدا شده‌اند:

lexicography

فرهنگ‌نویسی، فرهنگ‌نگاری

همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، در این واژه‌نامه، برخلاف شیوه رایج در واژگان‌ها، تنها به ذکر معادل‌های موجود اکتفا نشده است. در بسیاری از موارد که اصطلاحات موردنظر فاقد معادل فارسی شناخته شده بوده و یا معادل‌های موجود مناسب به نظر نمی‌رسیده‌اند، سعی شده است تا با توجه به معنا و کاربرد آن اصطلاح و بهره‌گیری از ظرفیت زبان فارسی و اصول واژه‌سازی،

1. thesaurus

2. genus

3. differentia

4. descriptive

5. prescriptive

6. normative

معادلی گویا و حتی‌الامکان کوتاه برای اصطلاح موردنظر ساخته شود. از آن جمله‌اند دستورنامه (dictionary grammar)، ارجاع‌نما (reference mark) و فرهنگ‌آگاهی (dictionary culture).

در معادل‌گذاری اولویت با معادل تک‌کلمه‌ای بوده است، اما در صورت یافت نشدن چنین معادلی، ناگزیر مفهوم اصطلاح به‌صورت یک عبارت در فارسی بیان شده است، مانند کلمه consultation که در فرهنگ‌نویسی به‌معنای «مراجعه به فرهنگ» است.

در برخی از اصطلاحات که ترجمه لغت‌به‌لغت در آن‌ها رساننده مفهوم نبود، با توجه به معنا ترجمه مفهومی صورت گرفته است، ازجمله در concept correspondence که معادل آن تداخل مفاهیم است و نه ارتباط مفهومی. نمونه‌های دیگر عبارت‌اند از بیان اندیشه (protocol) و مرجع‌نامه الکترونیکی (reference shelf).

سایر اطلاعات ذیل مدخل

در واژه‌نامه حاضر، تعریف و اطلاعاتی درباره تلفظ، مقوله دستوری، معنا، مثال، ریشه‌شناسی مدخل‌ها نیامده است. البته، در مواردی، علاوه بر ذکر معادل برای مدخل‌ها، به اطلاعات دیگری که ممکن است برای کاربران مفید و گاه ضروری باشد اشاره شده است، ازجمله صورت‌های جمع بی‌قاعده برخی از اسم‌ها، مانند corpora (جمع corpus) و lemmata (جمع lemma). گونه‌های مختلف املائی و اختصارات نیز ذیل واژه سرمدخل آمده‌اند، به صورت زیر:

head form

= head-form

full-sentence definition

abbr: FSD

همچنین به دلیل تفاوت‌های کاربردی از لحاظ دوره زمانی، سطح زبانی و یا حوزه کاربرد، و نیز از آنجایی که این واژه‌نامه ممکن است در فعالیت‌های تولیدی همچون نوشتن و یا ترجمه نیز به کار رود، موارد مربوط با برچسب در

داخل دو قلاب و با حروف ایرانیک مشخص شده‌اند، از جمله در نمونه‌های زیر:

dictionary [قدیمی] فرهنگ‌نویس
transfer [از مراحل فرهنگ‌نویسی] انتقال

در مواردی که بخشی از معادل قابل حذف است، بخش موردنظر در داخل پرانتز آمده است:

reference² (کتاب) مرجع
genteelism (واژه/ عبارت) مؤدبانه

لازم به توضیح است که در فهرست فارسی به انگلیسی برای این دو مدخل و موارد مشابه بیش از یک مدخل وجود دارد، یعنی کتاب مرجع و مرجع برای **reference** به ترتیب در حروف «ک» و «م» و نیز واژه مؤدبانه، عبارت مؤدبانه، و **genteelism** به ترتیب در حروف «و»، «ع»، و «م» آمده‌اند.

ارجاعات

در حوزه‌های مختلف علمی و فنی ممکن است برای یک مفهوم دو یا چند اصطلاح مترادف وجود داشته باشد. دلیل این امر می‌تواند نام‌گذاری‌های مختلف از سوی افراد گوناگون و یا راهیابی اصطلاحات علوم و فنون دیگر به حوزه موردنظر باشد. در این واژه‌نامه، از میان دو یا چند اصطلاح، یک یا دو مورد که رایج‌تر و گویاترند اصل در نظر گرفته شده و بقیه به آن ارجاع داده شده‌اند. برای مثال، از بین دو واژه **generalization** و **broadening**، اولی پریسامدتر است، به همین سبب **broadening** به **generalization** ارجاع داده شده و معادل فارسی ذیل **generalization** آمده است:

broadening
 → **generalization**

generalization گسترش معنایی
 syn: **broadening**

لازم به ذکر است که ارجاعات در این واژه‌نامه دوسویه^۱ هستند، به گونه‌ای که، ذیل مدخل پربسامد، صورت‌های مترادف کم‌بسامدتر نیز ذکر شده‌اند. در صورتی که بیش از یک مترادف برای مدخل موردنظر وجود داشته باشد، همه آن مترادف‌ها به ترتیب الفبایی ذیل مدخل پربسامدتر آمده‌اند، مانند

basic form

صورت اصلی

⇒ canonical form

canonical form

صورت پایه، صورت بنیادی

syn: base word,

basic form,

basic word,

citation form,

entry form,

entry-form,

head form,

head-form,

lemma form,

look-up form,

representative form

در مورد اصطلاحاتی که دارای گونه‌های مختلف املائی هستند، همچون **base form** و **base-form**، یکی از آن‌ها به‌عنوان گونه پذیرفته‌شده انتخاب و گونه(ها)ی دیگر به آن ارجاع داده شده‌اند.

به‌طور کلی، در این واژه‌نامه املائی انگلیسی آمریکایی، به دلیل رایج‌تر بودن، ارجح دانسته شده و صورت‌های انگلیسی بریتانیایی همچون **lemmatisation** و **programme**، با فرض اینکه کاربرد چنین اثری از حداقل دانش زبان انگلیسی برخوردار است و در یافتن مدخل موردنظر با مشکلی روبه‌رو نخواهد شد، در آن ذکر نشده‌اند.

اختصارات نیز به صورت کامل مدخل ارجاع داده شده‌اند، مانند

WSD

→ word sense disambiguation

1. bidirectional

همان‌طور که در بخش پیشین اشاره شد، ذیل صورت کامل، نشانه اختصاریِ مدخل موردنظر نیز آمده است:

word sense disambiguation

abbr: WSD

* * *

مؤلفان ادعا ندارند که اثر حاضر کامل و به‌دور از اشکال است، اما با در نظر گرفتن این امر که هدف از تدوین آن در وهله نخست تثبیت واژگان این رشته پرقدمت در زبان فارسی و سپس برآورده کردن نیاز کاربران روزافزون آن بوده است، این امید وجود دارد تا در ویراست‌های بعدی و نیز در پروژه آتی، با افزودن واژه‌های بیشتر به همراه اطلاعات زبانی و دائرةالمعارفی دقیق، دست‌کم بخشی از کاستی‌های موجود برطرف گردد.

همچنین در اینجا لازم است از دکتر مصطفی عاصی، دکتر فریبا قطره، دکتر مرضیه صنعتی، و دکتر حسین سامعی، که با پیشنهادها و راهنمایی‌های ارزنده خود ما را در انجام این کار یاری رساندند، قدردانی شود.

ساغر شریفی

احمد خندان

تهران، مهر ۱۴۰۰

منابع

- اصلانی، محمدرضا (۱۳۹۲)، بررسی نظریه‌ها و روابط معنایی در فرافرهنگ‌نگاری و کاربرد آن در خردساختار فرهنگ‌های تک‌زبانۀ فارسی، رسالۀ دکتری، دانشگاه اصفهان.
- جعفری، زهرا (۱۳۷۸)، بررسی اهمیت و کارکرد مثال به عنوان بخشی بنیادین در خردساختار فرهنگ‌های عمومی یک‌زبانۀ، پایان‌نامۀ کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- جهانگردی، کیومرث (۱۳۸۹)، طرحی برای استفاده از پیکره‌های زبانی در فرهنگ‌نگاری، پایان‌نامۀ کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حق‌شناس، علی‌محمد، و دیگران (۱۳۸۱)، فرهنگ معاصر هزاره (انگلیسی-فارسی)، دوجلدی، تهران، فرهنگ معاصر.
- حیاتی، محمد (۱۳۷۳)، واژه‌نامۀ زبان‌شناسی: فارسی-فرانسه-انگلیسی، تهران، آوای نور.
- دفتری‌نژاد، الهه (۱۳۷۷)، فرهنگ لغت در سیستم انتقالی ترجمۀ ماشینی، پایان‌نامۀ کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دلبری، علیرضا (۱۳۸۳)، واژه‌نامۀ توصیفی زبان‌شناسی تاریخی، پایان‌نامۀ کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- روبینچیک، یوری آرونوویچ (۱۳۹۷)، فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی، ترجمۀ محسن شجاعی، با یادداشت‌های علی‌اشرف صادقی، تهران، کتاب بهار.
- شریعت‌زاده، ناھید (۱۳۷۴)، واژه‌نامۀ زبان‌شناسی فارسی به انگلیسی، تهران، سپیل.
- شریفی، ساغر (۱۳۹۱)، فرهنگ‌های عمومی یک‌زبانۀ معاصر فارسی: یک پژوهش موردی، رسالۀ دکتری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شریفی، ساغر (۱۳۹۴)، «واژه‌نامۀ دوزبانۀ فرهنگ‌نویسی: گزارشی از یک پروژه»، ارائه‌شده در دومین همایش ملی فرهنگ‌نویسی دهخدا، تهران، مؤسسۀ لغت‌نامۀ دهخدا، اسفند ۱۳۹۴.
- شریفی، ساغر، و فریبا قطره (۱۳۹۸)، درآمدی بر فرهنگ‌نویسی، تهران، کتاب بهار.
- صفوی، کورش (۱۳۶۱)، واژه‌نامۀ زبان‌شناسی: فارسی-انگلیسی، انگلیسی-فارسی، تهران، مجرد.

عاصی، مصطفی (۱۳۷۳)، «طرحی برای تهیه فرهنگ‌های تخصصی با کمک کامپیوتر»، در مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، به‌کوشش علی میرعمادی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۲۷۹-۲۷۰.

عاصی، مصطفی، و محمد عبدعلی (۱۳۷۵)، واژگان گزیده زبان‌شناسی، تهران، علمی و فرهنگی. فخام‌زاده، پروانه (۱۳۷۹)، آشنایی با ارجاع، تهران، ماکان. فرح‌زاد، فرزانه (۱۳۹۴)، فرهنگ جامع مطالعات ترجمه، تهران، علمی. فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، شماره‌های اول تا دوازدهم، دی ۱۳۸۶ تا شهریور ۱۳۹۶.

فرهنگ‌نویسی: مباحث نظری و کاربردی (۱۳۹۵)، ترجمه عاطفه ابهری و دیگران، تهران، کتاب بهار.

قربان‌زاده، فرهاد (زیر چاپ)، «اصطلاحات فرهنگ‌نویسی».

قطره، فریا (۱۳۹۶)، واژه‌نامه توصیفی فرهنگ‌نویسی، تهران، نویسه پارس. لاندو، سیدنی آی. (۱۳۹۶)، فرهنگ‌ها؛ فن و هنر فرهنگ‌نویسی: پیکره در فرهنگ‌نویسی، ترجمه فرهاد قربان‌زاده و سعید رفسنجانی‌نژاد، تهران، کتاب بهار.

لاندو، سیدنی آی. (۱۳۹۹)، فرهنگ‌ها؛ فن و هنر فرهنگ‌نویسی: تعریف، ترجمه محمدرضا افضل‌ی و مجید ملک‌ان، تهران، کتاب بهار.

مجموعه مقالات نخستین همایش فرهنگ‌نویسی دهخدا (۱۳۹۰)، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، اسفند ۱۳۹۶.

محمدی‌فر، محمدرضا (۱۳۷۶)، فرهنگ جامع مرجع‌شناسی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

محمدی‌فر، محمدرضا (۱۳۷۷)، واژه‌نامه ویراستاران، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مدرسی قوامی، گلناز (۱۳۹۴)، فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی، تهران، علمی.

معماریان، پروانه (۱۳۷۷)، بررسی روند فرهنگ‌نگاری در ایران براساس رده‌بندی‌های علمی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

موهبت، نگار (۱۳۸۶)، بررسی و تعیین اولویت‌های فرهنگ‌نگاری براساس نیاز کاربران فارسی‌زبان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

میرزایی، آزاده (۱۳۹۶)، آشنایی با زبان‌شناسی پیکره‌ای، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

ناصر، محمدامین (۱۳۸۶)، چکیده پایان‌نامه‌های حوزه زبان و زبان‌شناسی دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی و آزاد ۱۳۳۳-۱۳۸۵، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

هاشمی میناباد، حسن (۱۳۷۱)، مبانی فرهنگ‌نگاری تک‌زبانۀ عمومی و کاربرد آن در زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
هزارواژه زبان‌شناسی (۱۳۹۷)، جلد اول، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
هزارواژه علوم انسانی (۱۳۹۴)، جلد اول، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
همایون، همادخت (۱۳۷۹)، واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Atkins, B. T. S. and M. Rundell (2008), *The Oxford Guide to Practical Lexicography*, London: Oxford University Press.
- Burkhanov, I (1998), *Lexicography: A Dictionary of Basic Terminology*, Rzeszov: Wydawnictwo Wyższej Szkoły Pedagogicznej.
- Cabré, M. T. (1999), *Terminology: Theory, Methods and Applications*, Amesredam/ Phladelphia: John Benjamins B. V.
- Fontenelle, T. ed. (2008), *Practical Lexicography*, Oxford: Oxford University Press.
- Fuertes-Olivera, P. A. ed. (2010), *Specialised Dictionaries for Learners*, Berlin / New York: De Gruyter.
- Gottlieb, H. and J. E. Mogensen eds (2007), *Dictionary Visions, Research and Practice*, Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Hartmann, R. R. K. (2001), *Teaching and Researching lexicography*, London And NewYork: Longman.
- Hartmann, R. R. K. and G. James (1998), *Dictionary of Lexicography*, London: Routledge.
- Podhajecka, M. and M. Bielińska (2008), "An English-Polish Glossary of Lexicographical Terms: A Description of the Compilation Process", in *Proceedings of the XIII EURALEX International Congress*. 15-19 July 2008, Barcelona: Universitat Pompeu Fabra, p. 1041-1049.
- Robinson, J. (1984), "Glossary of English Lexicographical Terms", in *Workbook on Lexicography*, B. A. Kipfer, University of Exeter Press, Exeter.
- Svensén, B. (2009), *A Handbook of Lexicography: The Theory and Practice of Dictionary-Making*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Tarp, S. (2012), "Specialised lexicography: 20 years in slow Motion", *Ibérica* 24 (2012): 117-128.
- Van Sterkenburg, P. ed (2003), "Glossary" in *A Practical Guide to lexicography*, Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.

اختصارات

نشانه	معنای نشانه	مثال
<i>abbr:</i>	نشانۀ اختصاری	hypertext mark-up language <i>abbr:</i> HTML
<i>pl. of</i>	صورتِ جمع	Indices <i>pl. of index</i>
<i>pl:</i>	صورتِ جمع:	lemma <i>pl:</i> lemmata
<i>syn:</i>	مترادف:	grammatical information <i>syn:</i> grammatical content
=	گونهٔ املائی ^۱	confusable words = confusable words
()	بخشی از معادل فارسی یا واژهٔ انگلیسی که قابل حذف است	gentelism
[]	برچسب کاربردی	ideoticography [قدیمی] فرهنگ‌نویسی گویشی
→	ارجاع به سرمدخل پربسامدتر (بدون ذکر معادل)	ABC order → alphabetic(al) order
⇒	ارجاع به سرمدخل پربسامدتر (با ذکر معادل)	absolute synonymy ⇒ complete synonymy

۱. گونهٔ دیگری از سرمدخل که دارای بیشترین شباهت املائی با سرمدخل است.

T

Text Encoding Initiative		hydronym	آب‌نام
initialism	آغازهنوئسی	hydronymy	آب‌نام‌شناسی
accent ³	آکسان		آدرس اینترنت
user training	آموزش کاربر	Uniform Resource Locator	
pedagogical	آموزشی	arrangement	آرایش
phonetics	آواشناسی	mixed arrangement	آرایش آمیخته
phonetic transcription ¹	آوانگاری		آرایش الفبایی
transcription ¹	آوانگاری	alphabetic(al) arrangement	
transcribe	آوانگاری کردن	niching	آرایش طاقچه‌ای
phonetic transcription ²	آوانگاشت	nesting	آرایش لانه‌ای
transcription ²	آوانگاشت	thematic arrangement	آرایش موضوعی
phonetic transcription ¹	آوانویسی	systematic arrangement	آرایش نظام‌مند
transcription ¹	آوانویسی	experiment	آزمایش
narrow transcription	آوانویسی تفصیلی	test	آزمون
transcribe	آوانویسی کردن	substitution test	آزمون جایگزینی
broad transcription	آوانویسی کلی		آغازۀ کدگذاری متن